



درباره ترور اسماعیل هنیه، رهبر حماس

بر اساس گزارشات خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی روز چهارشنبه 10 مرداد اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، در محل استراحتش در تهران که شدیداً از سوی نیروهای امنیتی محافظت می‌شد هدف حمله قرار گرفت و همراه با محافظش کشته شد. با اینکه اطلاع موثقی از نحوه کشتن وی تاکنون بطور رسمی با جزئیات منتشر نشده، گمانه زنی‌های متفاوتی در سطح بین‌المللی جریان یافته است.

سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ضمن تأیید ترور هنیه تأکید نمود که نامبرده در "یکی از اقامتگاه‌های ویژه جانبازان در شمال تهران" مستقر بود که با "اصابت پرتابه‌ای از هوا"، "حدود ساعت ۲ نیمه‌شب" کشته شد. سپاه پاسداران هیچ جزئیات دیگری را در این رابطه مطرح نکرد.

خبرگزاری العربیه وابسته به عربستان سعودی مدعی شد که "هنیه در تهران با شلیک مستقیم یک موشک کشته شده است". اما روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی با استناد به گفته‌های چند مقام مطلع، مدعی شد که "هنیه در پی انفجار بمبی در محل اقامتش کشته شده است". از سوی دیگر خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی به نقل از شبکه "المیادین" ادعا کرد که یک "منبع آگاه ایرانی" گفته است که کشته شدن اسماعیل هنیه در تهران "با شلیک موشک از کشوری به کشور دیگر بوده و از داخل ایران انجام نشده است".

این ترور به طور طبیعی انگشت اتهام را به سوی رژیم جنایتکار اسرائیل نشان گرفته است. حماس عامل کشته شدن رئیس دفتر سیاسی خود در تهران را دولت اسرائیل معرفی کرد و تأکید نمود که این اقدام بدون پاسخ نمی‌ماند. در همان حال خامنه‌ای وعده خونخواهی و مجازات سخت عاملین این عمل را داد و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی نیز روز چهارشنبه مدعی شد که ایالات متحده به دلیل حمایت از اسرائیل مسئولیت کشته شدن اسماعیل هنیه، رهبر حماس، در تهران را بر عهده دارد. این ادعاها در شرایطی مطرح می‌شود که حتی برخی نظریه‌ها در این مورد مدعی‌اند که این ترور در قلب تهران بدون نوعی از همکاری بین دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی و یا عوامل آن با اسرائیل به این راحتی امکانپذیر نبوده است. نیاز به دقت بسیار زیادی نیست تا فهمیده شود که با توجه به تنیدگی غیرقابل اغماض حماس و سازمان‌های مشابه با دستگاه‌های امنیتی قدرت‌های ضد خلقی مختلف از آمریکا و قطر گرفته تا ایران و ... ترور این مهره مهم حماس به رغم تمام مخفی کاری‌های ممکن، کار شاقی برای هیچ یک از این دستگاه‌های اطلاعاتی و در راس آنها اسرائیل نبوده و نیست.

از سوی دیگر در حالیکه وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، آنتونی بلینکن اعلام کرد که "این موضوعی است که ما از آن آگاه نبودیم و در آن دخالتی نداشتیم" یکی از افسران بازنشسته سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) به نام "لری جانسون" اعلام کرد که ترور "اسماعیل هنیه" رهبر سیاسی حماس با اطلاع و حمایت انگلیس و آمریکا صورت گرفته است. بدون تردید دیر یا زود واقعیات هر چه بیشتری از این عمل تروریستی آشکار خواهد شد و همگان به عینه خواهند دید که در ماهیت ارتجاعی فرد ترور شده و ترور کننده تفاوتی وجود ندارد.

واقعیت این است که رهبر جریان بنیادگرای اسلامی حماس چه توسط موشکی که اسرائیل شلیک کرده، کشته شده باشد و چه توسط بمبی که در محل مخفی و حفاظت شده اقامتش کار گذاشته شده بود، ترور شده باشد، هیچکدام در این واقعیت تردیدی ایجاد نمی‌کند که در افکار عمومی، ترور "مهمان" جمهوری اسلامی در قلب تهران و در شرایط به اصطلاح حفاظت شدید نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از نظر اطلاعاتی و امنیتی شکست فزاینده برای این رژیم مزدور و تو دهنی محکمی به سران حکومت است که برای مرعوب کردن توده‌ها به طور دائم در مورد قدر قدرتی این رژیم و اشراف آن به هر گونه تحرکات ضد نظام داد سخن می‌دهند. ترور رهبر حماس به روشنی آشکار ساخت که سیستم امنیتی جمهوری اسلامی همچون بقیه اجزای این سیستم در فساد و تباهی غوطه خورده و فساد نه تنها در اقتصاد کشور و اختلاس‌های میلیاردی جاری است بلکه کل

سیستم را فرا گرفته است، به صورتی که این سیستم حتی قادر نیست از مهمانان خود نیز محافظت کند. به این ترتیب ترور اسماعیل هنیه در قلب تهران رسوائی دیگری در پرونده سراسر رسوای این رژیم جنایتکار است که با وجود آن که هر سال میلیون‌ها میلیون دلار بودجه مملکت را صرف تقویت نیروهای امنیتی خود می‌کند اما حتی قادر نیست جان "مهمان" به اصطلاح عزیزتر از جان خود را در حیات خلوتش و در مجموعه‌ای که برای میزبانی از مقام‌های برجسته و نیازمند به محافظت شدید درست شده، حفظ کند.

جدا از چگونگی ترور اسماعیل هنیه و عامل این ترور اما سوال اصلی این است که این ترور جدا از منافع انکارناپذیر لحظه‌ای‌اش برای صهیونیست‌های حاکم بر اسرائیل به پیشبرد کدام سیاست و قدرت‌هایی کمک می‌کند. واقعیت این است که اسماعیل هنیه یکی از کهنه‌کارترین عوامل و سرکردگان جریان ضد انقلابی حماس به مثابه یکی از بازوهای بنیادگرایی و جاده صاف کن سیاست‌های امپریالیستی و صهیونیست‌ها در سطح منطقه بود، جریانی که از جمله توسط جمهوری اسلامی تغذیه و تسلیح می‌شود و نقش خود را در عمل به عنوان یکی از موانع حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین نشان داده است. ترور این سرکرده حماس در شرایط بحرانی کنونی قبل از هر چیز به فضای گسترش جنگ و ناامنی در منطقه دامن می‌زند، فضایی که امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها در جهت پیشبرد سیاست‌های ضد خلقی خود از آن سود می‌برند.

هم اکنون امپریالیسم آمریکا در چارچوب سیاست حمایت بی‌چون و چرای خود از نسل‌کشی مردم فلسطین توسط صهیونیست‌ها و دولت جنایتکار نتانیاهو، با ارسال ناوهای جنگی به منطقه بر حضور نظامی خود افزوده است. عربده‌کشی‌ها و تهدیدات ضد اسرائیلی جمهوری اسلامی که رسوایی ناشی از این ترور در پایتخت خود را بر دوش می‌کشد، هر روز با گمانه زنی در مورد چگونگی "انتقام" این رژیم از اسرائیل در سطح بین‌المللی پژواک می‌یابد. در لبنان و ترکیه و یمن و عراق نیز، قدرت‌های ضد خلقی حاکم با سوء استفاده از احساسات پاک ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی توده‌های کشورهای خویش، بیش از هر زمان ندای "هل من المبارز" (طلبیدن حریف به میدان) علیه اسرائیل و آمریکا سر می‌دهند. تمامی این وقایع، مردم منطقه و جهان را در وحشت گسترش جنگ ضد خلقی و فاجعه‌باری که با نسل‌کشی فلسطینیان و ریختن خون ده‌ها هزار کودک و زن و مرد فلسطینی توسط اسرائیل تغذیه می‌شود، فرو برده است.

یک نکته اما روشن است و آن اینکه عربده‌کشی‌های جمهوری اسلامی در ارتباط با ترور یک مهره مهم یک جریان ضد انقلابی توسط یک قدرت ضد انقلابی دیگر تنها در خدمت تشدید فضای فاجعه بار جنگ، کشتار و سرکوبگری‌هایی است که طراحان و مجریان و میزبانان این ترور دست در دست یکدیگر در حال تحمیل آن به حیات مشقت‌بار کارگران و خلق‌های تحت ستم منطقه و به ویژه خلق فلسطین هستند.

**مرگ بر امپریالیسم و سگ‌های زنجیرش!
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!**

**گسسته باد زنجیرهای اسارت خلق فلسطین از سلطه امپریالیسم، صهیونیسم
و بنیادگرایان اسلامی!
چریک‌های فدایی خلق ایران، 2 آگوست 2024 برابر با 12 مرداد 1403**